

## فعالتهای علمی تحقیقی استاد دکتر سید مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی

دکتر سید مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی، حفید میرزای بزرگ شیرازی (ره)، متولد ۱۳۰۷ ش در نجف اشرف، سپری کردن دوره ابتدائی در دبستان علوی ایرانیان در نجف اشرف، آغاز تحصیلات حوزوی در عراق، عزیمت به تهران در سال ۱۳۲۵ ش و ادامه تحصیلات در مدرسه خان مروی و پاره‌ای حوزه‌های دیگر تا نیل به مراحل عالییه، پیوستن به دانشکده منقول و معقول (=الهیات) در ۱۳۳۰ ش و اخذ لیسانس در رشته زبان و ادبیات عرب و دوره‌های علوم تربیتی و علوم قضایی بورسیه دانشگاه قاهره و شروع به تحصیل در دوره فوق لیسانس و دکتری در آن دانشگاه بعنوان نخستین دانشجوی اعزامی از دانشگاه تهران، بهره جستن از محضر استادان نامدار دانشگاه قاهره (دکتر طه حسین، دکتر یحیی الخشاب، دکتری شوقی ضیف دکتر یحیی قلماوی) اخذ درجه فوق لیسانس و دکتری از دانشگاه قاهره (به راهنمایی دکتر عبدالحلیم نجار) و دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲ ش، دریافت «الاجازة العالمیه» از «معهد الدراسات الاسلامیة»، تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه قاهره و دانشگاه الازهر استخدام در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و طی مراحل استادیاری، دانشیاری و استادی تا پایه ۲۲، گذراندن دو سال دوره فوق تخصص زبانهای سامی (آرامی) در دانشگاه کمبریج انگلستان، تألیف و ترجمه و تصحیح ۲۳ اثر و نگارش حدود ۲۰ مقاله در مجلات معتبر داخلی و خارجی.

۱ - عضو هیأت مؤلفان لغتنامه دهخدا، به مدت ۱۴ سال.

۲ - مدیر مسؤول و سر دبیر مجله (مقالات و بررسیها) تا سال ۱۳۷۵، به مدت ۲۱ سال.

۲ - نماینده پژوهشی دانشکده الهیات در شورای پژوهشی دانشگاه، به مدت چهار سال.

- ۴- نماینده دانشکده الهیات در شورای انتشارات دانشگاه تاکنون.  
 ۵- مدیر بخش عربی گروه علوم قرآن و حدیث از سال ۱۳۶۵ ش تاکنون.  
 ۶- عضو کمیسیون ارزشیابی مدارک خارجی وزارت فرهنگ و آموزش عالی.  
 ۷- عضو شورای تحصیلات تکمیلی و پژوهشی دانشکده الهیات.

### ۱. ادبیات تطبیقی (۱)

ادبیات تطبیقی، محمد غنیمی هلال ۱۹۵۳ م؛ ترجمه سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، ۶۸۹ صفحه، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۳ ش.

ادبیات هر ملتی در طول تاریخ خود از طرق گوناگون به جهان خارج راه می‌یابد و با ادبیات جهان پیوند برقرار می‌کند و از آنها اثر می‌پذیرد و یا بر آنها اثر می‌گذارد. بررسی و پژوهش این تأثیر و تأثرها و دادوستدهای فکری و ادبی میان ملتها و تلاش در جهت یافتن علائق و پیوندهای تاریخی میان آثار ادبی جهان، موضوع ادبیات تطبیقی را تشکیل می‌دهد. بنابراین محور پژوهش در ادبیات تطبیقی تبیین جریانهای ادبی جهان و رابطه ملی و میهنی با آنها و استمرار این رابطه از طریق اثر گذاری و اثر پذیری است. البته تردیدی نیست که پژوهش و تحقیق در این عرصه چندان کار آسانی نیست؛ چه، مقایسه ادبی میان آثار آن دسته از نویسندگان و ادیبان جهان که دارای علائق و پیوندهای تاریخی خاصند و کشف ریشه‌های تلاقی ادبیات در سطح جهانی، دانشی گسترده و عمیق می‌طلبد. از سوی دیگر توجه به این شاخه از علم، ضرورتی انکارناپذیر است، زیرا نیرومندترین وسیله تحکیم و کمال بخشیدن به حیات علمی و هنری، ارتباط با جریانهای فکری، ادبی و هنری جهان است و توجه به ادبیات تطبیقی یعنی بیرون آمدن از مرز ادبیات ملی و پیوستن به جرگه ادبیات جهانی و سپس بازگشت به خویشتن و غنا بخشیدن به انواع ادبی و تحکیم ارزشهای فرهنگی از طریق ایجاد حرکت، جنبش و پویایی و نوآوری و تقویت شخصیت قومی و تربیت ابعاد استعدادهای اصیل و عدم توجه به این شاخه از علم؛ یعنی عدم آگاهی به اصالت ادبیات خود و بی توجهی به ارزشهای فرهنگی و ملی.

۱. نوشته عنایت الله فاتحی نژاد، مدرس دانشکده الهیات دانشگاه تهران و عضو هیأت علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

از اوایل قرن ۱۹م اهمیت ادبیات تطبیقی در اروپا شناخته شد و به عنوان علمی جدید در عرصه ادبیات جای پای خود را باز کرد. در سالهای اخیر تمام دانشگاهها و مراکز علمی دنیا به ویژه دانشگاههای فرانسه، ایتالیا و سویس ادبیات تطبیقی را جزء برنامه کار خود قرار داده‌اند و از اهمیت آن غافل نمانده‌اند. چنانکه مثلاً در فرانسه دیپلم ادبیات تطبیقی یکی از شرایط احراز لیسانس در ادبیات است و در دبیرستانهای آن کشور مبادی و مقدمات ادبیات تطبیقی جزء برنامه‌های درسی دانش آموزان قرار دارد. حتی در برخی کشورهای عربی همچون مصر، ادبیات تطبیقی جایگاه ویژه‌ای دارد و کتابهای بسیاری در این زمینه تألیف و یا به عربی ترجمه شده‌است. اما جای بسی تأسف است که ادبیات تطبیقی در ایران به ویژه در دانشگاههای ما تقریباً ناشناخته است و نیز کتابها و یا حتی مقالاتی که به موضوع ادبیات تطبیقی اختصاص داشته باشد و به ارتباط ادبیات فارسی با ادبیات جهانی پردازد، بسیار اندک است. کاش اینک که نویسندگان و محققان و به ویژه متولیان ادبیات فارسی در دانشگاهها پای در این وادی که البته بسی سهمناک و دشوار است نمی‌نهند، مترجمان آستین همت بالا زنند و دست کم آثاری را که به زبانهای اروپایی و حتی گاه عربی در باره ادبیات تطبیقی نگاشته شده، به فارسی برگردانند تا ضمن پر شدن این خلاء علمی، دانش جویان و دانش پژوهان ما به اصالت ادبیات فارسی و ارتباط و پیوندهای آن با ادبیات جهان بیش از پیش آشنا شوند. همان گونه که استاد دکتر سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی در این کار پیش قدم شده، یکی از این آثار با نام *الادب المقارن* نوشته محمد غنیمی هلال را از عربی به فارسی برگردانده‌است که اینک فرصت را مغتنم شمرده اجمالاً به معرفی آن می‌پردازیم:

کتاب *الادب المقارن* با اینکه بیش از ۴۰ سال از نخستین چاپ آن می‌گذرد؛ دارای ارزش و اهمیت فراوان است و هنوز مطالبش تازگی دارد. آگاهی گسترده مولف بر منابع گوناگون و تسلط وی به انواع ادبی شعر، نثر، نمایشنامه، داستان نویسی، حماسه سرایی و مکتبهای ادبی و بیان مطالب با دقت و بی طرفی عادلانه ستایش ناقدان و پژوهندگان را برانگیخته‌است. همچنین نثر شیوای مترجم و توضیحات و تعلیقات عالمانه وی که خود می‌تواند اثری مستقل بشمار آید؛ در خور تحسین است.

کتاب دارای دو بخش است: در بخش نخست مؤلف تاریخچه و ابعاد مختلف ادبیات تطبیقی و عوامل انتقال ادبیات از یک زبان به زبان دیگر را مورد بحث و بررسی قرار

داده‌است. البته آنچه برای ما اهمیت بیشتر دارد بخش دوم کتاب است که به بررسی نمونه‌هایی از آثار ادب فارسی و تأثیر و تأثر آنها در ادبیات جهان پرداخته‌است.

در نخستین فصل این بخش، جهان شمولی ادبیات و عوامل مؤثر آن با ذکر نمونه‌هایی از آثار ادب فارسی و عربی و تأثیر هر یک بر دیگری ارزیابی شده‌است و از آنجا که به عقیده مؤلف رواج ترجمه موجب رواج سبکها و ذوقهای ادبی و انتقال آن از زبانی به زبان دیگر می‌شود، صفحاتی را به بررسی ترجمه‌های پهلوی به عربی و عربی به فارسی از قبیل کلیله و دمنه و ترجمه تاریخ طبری اختصاص داده‌است. سپس انواع ادبی از قبیل حماسه سرایی، نمایشنامه نویسی و داستان نویسی به زبان حیوانات را در ادبیات فارسی، عربی، هندی و اروپایی بررسی کرده، و تأثیرات هر یک بر دیگری را بر شمرده‌است. به ویژه تأثیر شاهنامه، هزار و یک شب، کلیله و دمنه، منظومه یوسف و زلیخا و لیلی و مجنون در ادبیات جهان و مقایسه آنها با آثار مشابه خود، جایگاه ویژه‌ای دارد.

تأثیر ادبیات پهلوی در زبان عربی بخش دیگری از فصل دوم این کتاب است که در بردارنده بحث و پژوهشی است در باره رساله‌های ادبی پهلوی از قبیل درخت آسوریک و رساله‌های شایست و ناشایست و نویسنده پیدایش کتابهای عربی المحاسن والاضداد منسوب به جاحظ (وفات ۲۵۵ هـ)، المحاسن و المساوی از ابراهیم بن محمد بیهقی و کتابهایی از این قبیل را تحت تأثیر مستقیم ادب پهلوی دانسته‌است. تأثیر عروض و قافیه عربی در عروض شعر فارسی از دیگر موضوعاتی است که در این بخش بدان پرداخته شده‌است. فصلی دیگر از بخش دوم کتاب به موقعیتهای نمایشی و ادبی اختصاص دارد که مؤلف پس از ارزیابی چند نمایشنامه معروف اروپایی و تأثیر آن در نمایشنامه‌های عربی به بررسی شخصیت‌های رمانتیک در داستانهای ایرانی همچون شهرزاد در هزار و یک شب و رستم و سهراب در شاهنامه و تأثیر آنها در ادبیات جهان و آثار نویسندگان دنیا پرداخته‌است.

فصل چهارم به تأثیر نویسندگان در ادبیات ملتها اختصاص دارد که در بخشی از آن به طور خلاصه جایگاه نویسندگان ایرانی عربی نویس هم چون عبدالحمید کاتب و بدیع الزمان همدانی و سبک نگارش آنان را ارزیابی کرده‌است. در بخشی از فصل پنجم، نویسنده تأثیر شاهنامه در نمایشنامه پلئاس و ملیزاند (میزاند) اثر موريس مترلینگ را به خوبی نشان داده و صحنه‌هایی از این نمایشنامه را اقتباس کامل از شاهنامه دانسته‌است.

بخش پایانی کتاب به مقایسه دو شاهکار حماسی ایرانی و یونانی یعنی شاهنامه و ایلیاس امیروس، نفوذ شاهنامه در ادبیات جهان، فردوسی و ایلیاد، سفر آسمان افلاک و ملائک در ادبیات ایران اختصاص یافته است.

## ۲. تفسیر سواطع الالهام<sup>(۱)</sup>

سواطع الالهام فی تفسیر کلام الملک العلام، ابوالفیض فیضی الناکوری (م: ۱۰۰۴ ق)، مقدمه و تصحیح: سید مرتضی آیت...زاده شیرازی (۶جلد)، تهران، ۱۳۵۷ ش. تلاش برای فهم مقاصد قرآن و شکافتن جوانب گوناگون آن، عرصه‌های مختلف را در برمی‌گیرد: تفسیر آیات، شناخت علوم قرآن، ادبیات قرآن و آنچه به سبک بیانی قرآن مربوط می‌گردد و جز آن. در این میان، دسته‌ای از دانشمندان شیفته قرآن بر آن شده‌اند تا با آفرینش آثاری هنری در پیرامون قرآن، ضمن ارضاء حس هنری خویش، دیدگان را به این کتاب آسمانی خیره کنند و از این رهگذر به آستان پر عظمت قرآن خدمت گزارند. یکی از این نمونه‌هایی تحسین برانگیز و ستودنی آثاری است بسیار محدود که با بهره گرفتن از کلمات بی نقطه (مهمله) به تفسیر و تبیین کلام الهی پرداخته است.

تفسیر «سواطع الالهام» از جمله همین نمونه‌هاست که مؤلف آن «شیخ ابوالفیض فیضی ناکوری» (م: ۱۰۰۴ ق) بر سبک و سیاقی خاص به تبیین و تفسیر مجموعه سوره‌های قرآن همت گمارده است. کار او در جای خود خیره‌کننده و در خور تحسین است و نشانه قدرت و توان شگرف او در شناخت لغت و ادبیات، اما ناگفته پیداست که پرده برگرفتن از معانی آیات قرآن به این شیوه، کاری است بس دشوار که شاید چندان وافی به مقصود نباشد.

با این همه، «سواطع الالهام» ویژگی‌های در خور توجهی نیز دارد که از جهاتی با تفاسیر «معجمه» پهلو می‌زند. مؤلف در جای جای این تفسیر سعی کرده است عناصر مقوم تفسیری را در کتاب خود وارد کند تا از این رهگذر بر جنبه تفسیری آن بیفزاید. نخستین صفت برجسته «سواطع الالهام» همان بکارگیری صرف حروف مهمله است، اما می‌توان خصوصیات جالب دیگری نیز در آن یافت که یکی از آنها ارائه تصویری کلی و مجموعی از مطالب کل یک سوره، پیش از ورود به مباحث تفسیری است. کار مفسر از این جنبه، حائز اهمیت فراوان

۱. نوشته عبدالهادی فقهی زاده عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران.

است. نزول تدریجی آیات و مخفی ماندن وجه ارتباطی صدر و ذیل پاره‌ای آیات، مانند: «آیه ۳ سوره نساء - آیه ۳۳ سوره احزاب - آیات ۳ و ۶۷ سوره مائده و ...» و نیز حذفها و ایصالها در متن قرآن و عوامل دیگری از این دست که در جای خود قابل مطالعه و بررسی است، باعث شده است که برخی از دانشمندان مسلمان و عمده مستشرقان گمان برند که نظم و نسقی در سوره‌های قرآن وجود ندارد و در هر سوره از هر دری سخن رفته است. این پندار از همان دوران حیات پیامبر اکرم (ص) وجود داشته است. «سلام بن مشکم» با عده‌ای از یهود نزد رسول خدا (ص) آمدند و گفتند: ما چگونه از تو پیروی کنیم و کتابی را که آورده‌ای به ترتیب تورات و به روش آن، یعنی متناسق و باب بندی شده، نمی‌بینیم. (محمد باقر محقق، نمونه بیانات در شأن نزول آیات، ۵۱۱؛ نیز: بهاء‌الدین خرّم‌شاهی، قرآن پژوهی، ۹) و از همان آغاز نیز دانشمندان مسلمان کوشیده‌اند به این اشکال و پندار پاسخ دهند و با ارائه طرحی نظام‌مند از هر سوره و توضیح وجوه مخفی ارتباط صدر و ذیل آن گونه آیات به ظاهر ناهمگون را آشکار نمایند. تلاشهای شیخ طبرسی در مجمع البیان، فخر رازی در التفسیر الکبیر، سعید حوئی در الاساس فی المیزان، علامه طباطبایی در المیزان و ... در این زمینه یاد کردنی است.

«ابوالفیض فیضی» نیز در تفسیر بی نقطه خود با برداشتن گامی در این جهت، کاری ارزشمند به انجام رسانده است. «سواطع الالهام» او تفسیری است مزجی، یعنی به طرح مطالب تفسیری در لا به لای آیات پرداخته است و از این نظر به شرح الفاظ و تعابیر قرآنی توجه ویژه‌ای مبذول داشته است. گاه نیز به یاد کرد وجوه قرائت آیات پرداخته و از اختلاف قاریان بزرگ یاد کرده است. مثلاً در کلیه موارد استعمال «أَنَّ» در سوره «جن» می‌گوید: «و رَوَوْهُ مَكْسُوراً.» یا در مورد «الم» سوره بقره می‌نویسد: «و ما حَرَّكَهٗ عَاصِمٌ و رَوَوْا مَكْسُورَ الْأَمْدِ.» بیان مدنی بودن سوره‌ها نیز بدین صورت آمده است: «مَوْرِدُهَا مِصْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.» همچنین از مکی بودن سوره‌ها با عبارت «مَوْرِدُهَا أُمُّ الرَّحْمِ» یاد شده است. در «سواطع الالهام» همچنین از حروف مقطعه با عنوان «سَرَّاللَّهُ مَعَ مُحَمَّدٍ (ص) رَسُولُهُ وَ وَدَّوَدَهُ» سخن رفته است.

«ابوالفیض فیضی» چنان که مرحوم آقا بزرگ در الذریعه (۱۲/۲۴۰) و محسن الامین (۲/۳۹۹) یاد آور شده‌اند دانشمندی شیعی مذهب است. از این گذشته، نشانه‌هایی از گرایش

مذهبی مفسّر در متن تفسیر به چشم می‌خورد. مثلاً در تفسیر آیه مبارک «أفلا يتدبرون القرآن» (نساء / ۸۱) نوشته است: و ما هو مدلوله... أَلَا لِإِعْلَامِ الرَّسُولِ (صلعم) و الامام المعصوم. یا در باره «یوفون بالندر» (انسان / ۷) می‌نویسد: لله و اداء او امره، أَرْسَلَهُ اللَّهُ لِمَدْحِ أَسَدِ اللَّهِ الْكَرَّارِ [= علی بن ابی طالب (ع)] و عرسه .»

افزون بر سواطع الالهام می‌توان از چند تفسیر بی‌نقطه یاد کرد، از آن جمله است: تفسیر علی بن قطب الدین بهبهانی (م: ۱۲۰۶ ق) در سه جلد که اصل آن در نجف اشرف و در کتابخانه «شیخ محمد سماوی» موجود بوده است. مؤلف این اثر با مرحوم وحید بهبهانی (ره) معاصر است و از شاگردان او محسوب می‌گردد. هم‌اکنون نیز تصویری از آن اثر تفسیری در مقبره آن دانشمند فرزانه در شهرستان بهبهان وجود دارد. (نک: جزوه‌ای چند صفحه‌ای در معرفی این اثر به نام: ستاره بی فروغ)

علاوه بر این، تفسیر درّالأسرار، تألیف سید محمود افندی (حمزاوی، م: ۱۳۰۵ ق) با تحقیق ابراهیم بن علی الاحدب طرابلسی، یاد کردنی است. نسخه‌ای از این تفسیر بی‌نقطه اکنون در کتابخانه مرکز نشر فرهنگ و معارف قرآن در شهرستان قم موجود است. سید محمود افندی کار نگارش و تدوین درّالأسرار را در تاریخ ۱۲۷۴ ق به پایان برده است. درّالأسرار تفسیری است مختصر در ۲ جلد (مجموعاً ۵۱۷ ص) که در مقابله سریعی که با تفسیر سواطع الالهام (اوایل سوره‌های بقره و آل عمران و سراسر سوره محمد (ص)) به عمل آمد، چندان به هم شبیه نیست.

در هر صورت، جای بسی خوشبختی است که سواطع الالهام که در حدود یک قرن پیش به همراه معجم الفاظ آن در ۸۸۰ صفحه در قطع رحلی در هند چاپ شده بوده است، اکنون به همت و تلاش و تصحیح دانشمند ارجمند جناب آقای دکتر سید مرتضی آیت‌آ...زاده شیرازی، استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، در هیأتی آراسته منتشر شده است. استاد در مقدمه‌ای نسبتاً مفصل که بر این کتاب افزوده است، در ضمن سه ساطعه (به سبک سواطع تفسیری اصل کتاب) نخست از وضع سیاسی اجتماعی و فرهنگی هند در روزگار مؤلف، گفتگو و آنگاه از خاندان و شرح حال وی سخن گفته و در نهایت از شیوه کار تصحیح یاد کرده است. استاد همچنین در ذیل سواطع الالهام به چاپ متن تفسیر سید عبدا...شبر (م: ۱۲۴۲ ق) اقدام نموده است. نیز در پایان هر جلد فهرستی از لغات

غریب به کار رفته در متن ارائه شده است.

### ۳. نظام حکومت و مدیریت در اسلام (۱)

محمد مهدی شمس الدین، نظام حکومت و مدیریت در اسلام، ترجمه و تحشیه: سید مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ ش.

از همان زمان که آیین اسلام پا به یثرب نهاد، ساختار حکومتی آن اندک اندک شکل گرفت. بنای مسجد و بستن پیمان اخوت میان مهاجران و انصار و انعقاد قرارداد میان مسلمانان و یهودیان، از نخستین مراحل تشکیل حکومت اسلامی بود. پیامبر اکرم (ص) افزون بر پیشوایی دینی، ریاست حکومت نو پا را نیز بر عهده داشت و اعلان جنگ و صلح و بستن یا فسخ پیمان نامه‌ها و سایر تصمیمات سیاسی را رهبری می‌کرد. آیاتی از قرآن کریم هم که در آن دوره نازل می‌شد، متناسب با تحوّل نوینی که پدید آمده بود، بیشتر به بیان احکام اقتصادی، سیاسی، نظامی، خانوادگی و جز اینها که رنگ و بوی حکومتی داشت، می‌پرداخت. در همین دوران بیشترین آیاتی که در باره منافقان سخن گفته است نازل شد و مسلمانان را به لزوم هشیاری در برابر توطئه‌های آنان فرا خواند. پس از رحلت رسول اکرم (ص) نیز تا مدتی نسبتاً طولانی، جامعه مسلمانان از حاکمان چشم داشت که به سامان دادن دین و دنیای مردم پردازند. از این رو می‌توان گفت: مسلمانان عملاً هیچ تفاوتی میان جنبه‌های اعتقادی و فردی اسلام و جوانب اجتماعی و سیاسی آن ندیده‌اند، اما سپس حاکمانی سررشته حاکمیت جوامع مسلمان را به دست گرفتند که دین را عاملی باز دارنده بر سر راه مقاصد و اهداف خود دیدند و بر این اساس، با هر چه در توان داشتند، به مقابله با آن برخاستند. یکی از نیرنگهای آنان برای از صحنه خارج ساختن دین، طرح و ترویج نظریه «جدائی دین از سیاست» بود. در مقابل، دانشمندان مسلمان نیز با بنان و بیان به ردّ و انکار این دیدگاه غیر اسلامی پرداختند. در همین جهت، در دوران معاصر که دوران خیزش اسلامی به رهبری عالمان پاک نهاد دینی است، دانشمندان روشن اندیش در این زمینه کتابهایی تألیف کردند. حضرت امام خمینی (ره) در دهه چهل با طرح مباحث «حکومت اسلامی» که بعدها در کتابی به همین نام منتشر گشت، راه را برای بررسی موضوع گشود و اینچنین مسأله «حکومت اسلامی» که در میان ابواب فقهی اندک



اندک به فراموشی سپرده می‌شد، مجدداً در محافل مطرح گشت و پس از آن، چندین اثر در این باره پدید آمد. مدتی پیش از آن نیز کتاب «نظام الحکم والادارة فی الاسلام» اثر محمد مهدی شمس‌الدین، از علمای برجسته لبنان تألیف و منتشر شده بود که بر بسیاری از کتابهای جدیدتر، فضل تقدّم دارد و ما اکنون به معرفی کوتاهی از آن می‌پردازیم:

اصل عربی کتاب نخستین بار در سال ۱۹۵۴ م در بیروت چاپ و منتشر شده است. آنگاه پس از گذشت حدود ۳۶ سال، چاپ دوم آن که مبنای ترجمه کتاب به فارسی نیز قرار گرفته، مجدداً با افزایشهایی منتشر شده است. مترجم محترم کتاب که بر ترجمه خود نام «نظام حکومت و مدیریت در اسلام» نهاده است، دانشمند ارجمند آقای دکتر سید مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی، استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران است که علاوه بر زحمات توانفرسایی که در ترجمه متحمل شده است، در مواضعی چند در ضمن پانوشتهایی کوتاه و بلند به طرح نظر خود و پاره‌ای دیگر از دانشمندان می‌پردازد و به این وسیله بر غنای مباحث می‌افزاید.

نویسنده (در ص ۲۷ ترجمه) تصریح کرده است که انگیزه اصلی تألیف کتاب، حضور پندار «جدائی دین از سیاست» در اذهان پاره‌ای از مردم بخصوص جوانان بوده است و از این رو در سراسر کتاب با ادله شرعی و تاریخی و عقلی به ابطال این نظریه می‌پردازد. کتاب از دو بخش تقریباً مجزا تشکیل می‌گردد:

الف - نظام حکومت در اسلام

ب - مدیریت در اسلام

نویسنده در لابه لای صفحات کتاب در تلاش برای بازیابی ریشه‌های تاریخی و کلامی حکومت اسلامی، به بیان جنبه‌های فقهی و احکام شرعی حکومت اسلامی پرداخته است؛ در این راه همچنین از یاد کرد اختلاف نظر دانشمندان شیعی و سنی در امر حکومت، غفلت نورزیده و پس از نقل نظرات آن دو گروه، خود به ارزیابی آنها پرداخته است.

مهمترین مسائل مطروحه در بخش نخست، عبارت است از: دیدگاههای مختلف راجع به حکومت اسلامی، احزاب نخستین در جامعه اسلامی پس از رحلت رسول اکرم (ص)، دیدگاه فرق اسلامی در باب حکومت، ویژگیهای اساسی نظام حکومت اسلامی، حکومت‌های الهی - بشری و مسأله «نص»، حکومت الهی - اسلامی (نظریه امامت معصوم (ع)

در کلام شیعی)، وظایف امام معصوم (ع).

نویسنده در ذیل عنوان اخیر تصریح می‌کند که: «امامت معصوم، استمرار خطّ وظایف نبوت در تبلیغ، تشریح احکام و حفظ و شرح و تفسیر شریعت است.» و نخستین وظیفه امام نیز همین است. او اعتقاد دارد: «جنبه سلطه سیاسی و سازمانی، وظیفه درجه دوم امام معصوم (ع) است و در ادامه می‌افزاید: «منصب خلافت در اعتقاد اهل سنت، منصبی دنیایی - اجرایی است که شرایط سیاسی جامعه و ضرورت‌های زندگانی و هم بستگی و ادامه حیات، آن را ایجاب کرده و هیچ‌گونه پیوندی با امت ندارد. وظیفه مقام خلافت [در ممالک اسلامی] مانند اجتماعهای سیاسی غیر اسلامی تنها [شکل دادن به] یک تشکیلات سیاسی است و هیچ ارتباطی با وظیفه تشریح، حفظ، تفسیر و شرح آن ندارد.»

نویسنده آنگاه در قسمت پایانی بخش نخست کتاب (فصل دوازدهم) ضمن بحث از طرح اسلامی شیعی برای حاکمیت جامعه در عصر غیبت، به اختصار از دیدگاه «ولایت فقیه» و شاخه‌های مختلف آن سخن می‌گوید و جانبدارانه یکی از مبانی اصیل نظام جمهوری اسلامی را به گفتگو می‌گذارد.

نیز بخش دوم کتاب (مدیریت در اسلام) شامل گفتگو از جنبه‌های فقهی مدیریت و طرح کلی آن در جامعه اسلامی است و آنگاه بررسی رویدادهایی که پس از تشکیل حکومت اسلامی به رهبری رسول خدا (ص) در مدینه رخ داده و از دید نویسنده، جنبه‌های مدیریتی داشته است.

همچنین در پایان کتاب فهرستهای گوناگونی قرار داده شده است که از نظر فنی اهمیت بسزایی دارد: فهرستهای آیات قرآنی، احادیث، نهج البلاغه، اعلام، جایها، فرق و مذاهب، کتابها و منابع.

#### ۴. بخشی از تفسیری کهن به پارسی از مؤلفی نا شناخته

بخشی از تفسیری کهن به پارسی از مؤلفی نا شناخته، احتمالاً مربوط به نیمه نخست سده ۴ ق، تحقیق و تصحیح دکتر سید مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی، ۱ جلد، تهران، ۱۳۷۵ ش<sup>(۱)</sup>.

۱- نوشته ابراهیم اقبال، عضو هیأت علمی گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه تهران.

قرآن سنگ زیرین دانشها و مطالعات اسلامی است. همزمان با نزول آن، تبیین مراد خداوند و پرده‌برگیری از محتوای آیات، با این فرمان الهی «... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...» (نحل / ۴۴) به وسیله نبی اکرم (ص) آغاز گشت و با پرسشها و پژوهشهای صحابیان و پاسخگویی‌های پیامبر (ص) توسعه یافت.

با گسترش اسلام به دیگر سرزمینها و پذیرش دیگر ملت‌های بیگانه نیاز به فهم کلام الهی بیشتر احساس گردید. همین امر شیفتگان و عالمان آگاه به زبان قرآن را بر آن داشت تا آثاری گرانسنگ در جهت تبیین و تفسیر کلام الهی، به آستان قرآن تقدیم دارند.

از جمله این آثار به زبان فارسی، تفسیری است بر جای مانده از سده‌های نخستین هجری که به اهتمام جناب دکتر سید مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی، قرآن پژوه معاصر و استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه تهران تصحیح شده است.

مصحح ارجمند در مقدمه کتاب و نیز در مقاله‌ای به سرگذشت و چگونگی دسترسی به نسخه خطی و توصیف آن، مطالبی مشروح عرضه داشته است (تفسیری کهن به زبان فارسی، ص چهار و پنج؛ مقالات و بررسیها، ش ۴۳ - ۴۴، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۸۱ - ۲۱۳).

تنها نسخه‌ای که مصحح به آن دسترسی یافته، آغاز و انجام آن افتاده و نامی از مؤلف و نیز تاریخ تألیف و کتابت در آن نیامده است، از این رو تعیین عصر مؤلف و معرفی وی بسیار دشوار می‌نماید.

با نگرشی به سبک نگارش کتاب و همسانی آن با آثار منشور سده‌های سوم و چهارم هجری و مقایسه‌ای گذرا با متون کهن ترجمه و تفسیر قرآن کریم مانند ترجمه‌ای آهنگین از دو جزء قرآن کریم، (به اهتمام و تصحیح دکتر احمدعلی رجایی)، تفسیری بر عشری از قرآن مجید (نسخه موزه بریتانیا)، تفسیر قرآن مجید (نسخه کمبریج، تصحیح دکتر جلال متینی)، تفسیر نسفی، تفسیر سوراآبادی و جز اینها می‌توان احتمال داد که مؤلف در اواخر قرن سوم و نیمه نخست سده چهارم هجری می‌زیسته است (مقدمه، ص شش، بیست و هفت - بیست و نه) و با توجه به گونه‌های زبانی منطقه خراسان و تأثیر آن در نثر کتاب، می‌توان حدس زد که مفسر در حوزه هرات زندگی می‌کرده است (ص هفت) و با یادکرد مصنف از ابوبکر صدیق و ابوبکر (ص ۴۴، ۴۷، ۴۸، ۶۱، ۶۲، ۹۹) و عمر بن خطاب (ص ۴۵، ۹۹) و عثمان بن عفان (ص ۴۴، ۲۱) و علی بن ابیطالب (ص ۲۱، ۲۸، ۴۴، ۴۵، ۱۸۶، ۲۲۶) و عائشه (ص ۱۵۹،

(۲۵۱) و فروگذاری ذکر ائمه شیعه (علیهم السلام) و استناد قراءات بر اصول قراء اهل سنت به احتمال زیاد می‌توان گفت که حنفی مذهب بوده است.

در نسخه موجود، کلامی الهی از آیه ۱۷۶ «... وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ». از سوره مبارک اعراف تا آیه ۶۹ سوره نحل (به ترتیب قرآن موجود) تفسیر شده است (ص ۱ - ۲۹۰).

سبک تفسیری کتاب، «مزجی» است و پس از اتمام هر آیه یا کلام، علامتی به شکل دایره (O) قرار دارد. در آغاز هر سوره، نخست نام سوره، و چنانچه سوره به نام یکی از پیامبران باشد، به دنبال آن عبارت «علیه السلام» آمده است. آنگاه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و تفسیر آیات بیان شده است. دو سه سوره افتادگی‌هایی دارد که بخش عمده آن به اول سوره انفال مربوط می‌شود. در این موارد مصحح برای تکمیل مطالب، از نوبت اول کشف الاسرار میبندی استفاده کرده است (ص چهار و پنج).

جایگاه کتاب در میان تفسیرهای مترجم، در ردیف تفسیرهای ادبی و لغوی است. فراوانی شواهد منظوم و منثور و عنایت به اشتقاقهای لغوی گواه این مدعا است. همچنین به شأن نزول آیات و رویدادهای زمان نبوت توجه شده و به وقایع مربوط به آیات، اشاراتی یافت می‌شود و چنانچه حکم آیه‌ای منسوخ گردیده، به مورد نسخ اشاره رفته است. قرائتهای کتاب غالباً بر اصول قراء اهل سنت است و گاهی به اصحاب آنها مانند ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، خفاف، یعقوب خضرمی، کسایی، حمزه، بزّی... نسبت یافته است. در بیان و توضیح واژگان قرآن به اشعار سراینندگان عرب جاهلی و مخضرم و اسلامی و مؤلّد استشهاد شده است. نیز از احادیث رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و اقوال بزرگانی چون عبدالله بن عباس و... شواهدی وجود دارد. ناگفته نماند که در سرتاسر این اثر حتی یک بیت فارسی دیده نمی‌شود (ص بیست و یک - بیست و شش).

سبک نگارش این اثر نفیس فارسی، همسانی بسیاری با آثار منثور قرن سوم و چهارم هجری دارد. استواری واژگان و زیبایی و رسایی معانی در آن به خوبی نمایان است و با گزینش بسیار استادانه، مفاهیم والا به زبان فارسی نقل شده است. مؤلف با بیانی هنرمندانه و به دور از تکلف و تصنع، بسان سوارکاری چابک بر مرکبی راهوار، خواننده را آرام و آسان از پستیها و بلندیهای زبان می‌گذارند.

تأثیر گویش خراسان بزرگ از دیگر ویژگیهای این اثر است. نمونه‌هایی از آن یادکردنی است.

گفتند = گفتند، مَن = مَن، کوز = کوز، بَم = باشم، بيم = باشیم، تَه = تو، نه بيا = نباشی،  
نوشت = نوشت، کوم راه = گمراه، هام سازان، هام دلان، ... (ص هفت و هشت).

رسم الخط کتاب مانند سایر کتابهای سده‌های اولیه هجری در ایران به فارسی است، از آن  
جمله: «پ» و «چ» غالباً با یک نقطه، نقطه روی «د»، نوشتن «گ» به شکل «ک»: تبدیل  
«ب» به «و»: کوران - گبران و یا به «ف»: زفان = زبان؛ تبدیل «ش» به «ژ»: دژوار = دشوار؛  
حذف «و» در فعل: نشند = نشنود، شند = شنود... (ص هفت و هشت).

دیگر نکات دستوری و واژه‌های کهن که مصحح در مقدمه آورده است در خور توجه  
می‌باشد (ص هشت - نوزده).

اهمیت این تفسیر به لحاظ محتوا بر زبان فارسی واژگان بسیار کهن آن است که در هیچیک  
از تفاسیر قدیمی قرآن وجود ندارد و سبک و آهنگ گوش نواز مفردات و ترکیبات بر  
جدایت و اهمیت آن افزوده است.

در خاتمه کتاب، فهارسی از احادیث، اشعار، اعلام و نیز نمونه‌هایی از واژه‌ها و برابره‌های  
فارسی قرآنی و تفسیری و بالعکس فراهم آمده است (ص ۲۹۱ - ۳۴۴).